

## تبیین هستی‌شناسانه نسبت هنر گرافیک معاصر و حقیقت بر مبنای تأملات هیدگر در باب اثر هنری

### چکیده

هیدگر با واکاوی منشأ اثر هنری، بحث تازه‌ای درباره نسبت میان اثر هنری و وجود مطرح کرده و هنر را از مصادیق تحقق حقیقت می‌داند. این تلقی هستی‌شناختی هیدگر بسیار جای دارد که در صورت‌های مختلف هنر بسط و تفصیل یابد و با اتکا به این دیدگاه می‌توان برای رسیدن به وجه معرفتی و شناخت ماهیت شاخه‌های مختلف هنر بهره گرفت. هنری مبتنی بر فناوری چون طراحی گرافیک می‌توانند موضوع مناسبی برای ارائه یک نظریه تحلیلی از تفسیر هیدگر در فهم چیستی مصادیق هنر و نسبت آن با حقیقت باشد. این پژوهش برآن است با مطالعه آراء هیدگر در مسیر یافتن رابطه میان اثر هنری و حقیقت، ضمن واکاوی ماهیت طراحی گرافیک با عنایت به ویژگی‌های هنری و زیبایی‌شناسانه و وجه ابزاری و تکنولوژیک آن، نسبت این هنر-صنعت را با ظهور و انکشاف حقیقت تبیین کند. در خوانش هنر گرافیک براساس تفسیر هیدگر، شناخت رابطه عالم خلق اثر و هستی‌نقشی اساسی دارد. حقیقت به‌مثابه پیام در یک اثر گرافیکی با وجود جلوه‌های نوین بصری، از جهان و ساحت اندیشه هنرمند عبور کرده و به ظهور می‌رسد. گرچه این هنر به حاکمیت تمدنی متعلق است که تحت سیطره علم و فناوری است، اما با تجلی روح هنرمندانه، آشکارگی حقیقتی را سبب می‌شود که از لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی یک ملت برآمده است.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین نسبت حقیقت در اثر گرافیکی و جلوه تکنولوژیک آن.
۲. بیان وجه معرفتی هنر گرافیک با نگاه فلسفی.

### سوالات پژوهش:

۱. حقیقت چگونه در اثر گرافیکی به انکشاف می‌رسد؟
۲. آیا بیانگری تکنولوژیک هنر گرافیک باعث از دست رفتن حقیقت هنری آن می‌شود؟

**کلیدواژه‌ها:** هنر گرافیک، حقیقت، هیدگر، اثر هنری، اثر گرافیک.

## مقدمه

تلقى هستی‌شناختی هیدگر در رساله «منشأ اثر هنری» می‌تواند در صورت‌ها و مصادیق مختلف هنر بسط و تفصیل یافته و مورد واکاوی قرار گیرد. نگاه هیدگر به هنر، یک امر سوژکتیو محصول ذوق هنرمند نیست. به‌زعم وی هنر به عالمی نظر دارد که اثر هنری در آن خلق شده و بر این اساس، اثر هنری جنبه وجودشناسانه به خود می‌گیرد (یانگ، ۱۳۸۴: ۴۹). با این وجود، برخی مفسران معتقدند موضع هیدگر در قبال هنرهای جدیدی که در بستر علم و فناوری شکل گرفته‌اند؛ منفی است. گرچه هیدگر در مقاله «پرسش در باب تکنیک» سؤال می‌کند که آیا هنر امروزه به انکشاف شاعرانه حقیقت خوانده شده؟ و پاسخ می‌دهد که: کسی نمی‌داند. بررسی دیدگاه هیدگر در باب نقش و تأثیر تکنولوژی در هنر، خود پژوهش فلسفی مستقلی را می‌طلبد، اما در این نوشتار تنها سعی شده بر مبنای تفسیر او در باب نسبت اثر هنری و حقیقت، هنر گرافیک مورد تحلیل و تفسیر قرار گیرد.

طراحی گرافیک به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های هنر تجسمی که در بستر فناوری متولد شده و رشد کرده، در حال حاضر به بخشی از فرهنگ و اقتصاد کشورهای صنعتی بدل شده است. امروزه آثار گرافیکی عرضه‌شده در فضای مجازی به مدد تکنولوژی الکترونیک، رابطه انسان با جهان اثر را دگرگون کرده و باعث ایجاد فضای جدیدی شده‌اند که امکان تعامل فعال مخاطب و حضور او به‌عنوان عاملی برای تغییر و شکل‌گیری متغیرها ایجاد کرده است. حتی شیوه بیان طراحی گرافیک نیز از شیوه سنتی وابسته به چاپ در حال انتقال به بسترهای الکترونیکی است. گرافیک دیجیتالی وسیله‌ای شده برای بیان تصویری نوین در حوزه‌های مختلف اجتماعی و توسعه و پیشرفت آن تأثیر زیادی روی بسیاری از رسانه‌ها گذاشته است. گرایش‌های روزافزون در حوزه گرافیک دیجیتالی، این هنر را به دنیایی با ابعادی چندوجهی وارد کرده و انقلاب دیجیتال در این حوزه باعث شده طراح گرافیک نقش صنعتگر را در کنار نقش هنرمند به خود اختصاص دهد. درهم‌آمیختگی هنر گرافیک با مسائلی چون اقتصاد، فرهنگ، سیاست، اخلاق و وابستگی آن به صنعت تبلیغات، زمینه و امکان پژوهش‌های گسترده‌ای را در باب ماهیت این هنر - صنعت و همچنین نسبتش با عوامل موجود در جهان ایجاد می‌کند.

گرچه هیدگر یک نظریه‌پرداز هنر نیست اما قطعاً نظرات او در این باره، پنجره‌ای جدید به هنر می‌گشاید. در این پژوهش کتاب «سراغاز کار هنری» نوشته مارتین هیدگر ترجمه پرویز ضیاء شهابی که ترجمه از اصل اثر به زبان آلمانی است به‌عنوان منبع اصلی مورد مطالعه قرار گرفته است. علاوه بر این محمدرضا ریخته‌گران (۱۳۸۶) در اثر «حقیقت و نسبت آن با هنر» و (۱۳۹۲) در «هنر از دیدگاه مارتین هایدگر» به شرح رساله سراغاز کار هنری پرداخته است. او در این آثار به‌صورت درس گفتارهایی دیدگاه‌های هیدگر را واکاوی کرده است. یوزف کوکلمانس (۱۳۸۸) در اثر «هیدگر و هنر» ترجمه محمدجواد صافیان، نیز که حاصل سلسله درس گفتارهایی است که در برنامه پدیدارشناسی در دانشگاه دولتی پنسیلوانیا انجام شده است و تلاش کرده مخاطبان را با تفکر هیدگر آشنا کند. محمود خاتمی (۱۳۸۷) در کتاب «گفتارهایی در پدیدارشناسی هنر» به اندیشه‌های این فیلسوف برجسته با محوریت کتاب سراغاز کار هنری پرداخته و با شرح تفکرات فیلسوفانی که بر شکل‌گیری اندیشه هیدگر تأثیر گذاشتند و شرح مبانی فلسفه هیدگر، به تبیین تفسیر او از اثر هنری می‌رسد.

علاوه بر این، منابع مکتوب که درباره مباحث نظری طراحی گرافیک شامل دو اثر یکی نوشته مردیت دیویس (۱۳۹۶) به نام «تئوری طراحی گرافیک» ترجمه فاطمه مرزبان و دیگری تألیف یان نوبل و راسل بستلی (۱۳۹۵) به نام «پژوهش دیداری»، ترجمه سارا مطلوب به‌صورت علمی به واکاوی بنیان‌های نظری طراحی گرافیک و ارتباط آن با دیگر حوزه‌های

نظری پرداخته‌اند، مورد مطالعه قرار گرفته است. (در زمینه نسبت طراحی گرافیک و فلسفه هیدگر منبع مکتوب قابل استنادی موجود نیست). در این تحقیق با استناد به منابع ذکر شده به مقایسه و تطبیق ویژگی‌های آثار گرافیکی، با آنچه هیدگر درباره اثر هنری مورد توجه قرار داده، پرداخته شده است.

این پژوهش با رویکرد کیفی به روش تطبیقی-تحلیلی، با استناد به نظر هیدگر و مطالعه کارکردهای متنوع طراحی گرافیک در عصر مدرن به دنبال تبیین این مسئله است که آیا یک اثر گرافیکی به مثابه یک اثر هنری با کارکرد رسانه‌ای و ابزاری، می‌تواند در جایگاهی قرار گیرد که حقیقت، خود را در آن آشکار سازد و یا اینکه بیانگری تکنولوژیک گرافیک در کنار تبلیغات و نقش رسانه‌ای این هنر، باعث از دست رفتن و یا کمرنگ شدن حقیقت هنری آن در این زمانه شده و به جهت استفاده ابزاری از آن، در زمره دیگر آثار و مصنوعات فرآورده شده مانند صنایع دستی قرار گرفته است.

### نتیجه‌گیری

بررسی نسبت طراحی گرافیک معاصر با حقیقت به مثابه پیام نهفته در اثر، مستلزم نوع نگاه خاص است که پیامدهای فلسفی ویژه‌ای به دنبال دارد. طراحی گرافیک جهانی وسیع‌تر از خلق و برآورده کردن نیاز سفارش‌دهندگان را دربردارد و دغدغه اصلی آن، کشف درون‌مایه‌ای جدید است. در دنیای مدرن طراحی گرافیک بنابه گستره کاربردهای متنوع خود این قابلیت را دارد که در عین حالی که مانند یک ابزار تبلیغاتی، عنان توده مردم را در اختیار گرفته و آنان را به هر سو که مدنظر سفارش‌دهندگان است هدایت کند؛ آنان را وادار به اندیشیدن برای دریافت پیام و فهم حقیقتی نیز نماید. سرعت در انتقال اطلاعات این ضرورت را در طراحی گرافیک ایجاب کرده است که طراحان با کمک فناوری‌ها و با استفاده از فرم‌های نو و روش‌های نوین، اندیشه‌های ناب روح این زمانه را بازگو کنند. با به‌کارگیری رایانه‌ها در دنیای ارتباطات تعاملی و شبکه‌ای، درگیری مخاطبان با محتوا بیش‌ازپیش قابل مشاهده گردیده است. گرافیک دیجیتالی وسیله‌ای شده برای بیان تصویری نوین در حوزه‌های مختلف اجتماعی. آثار گرافیکی، در ضمن حفظ ارزش‌های زیباشناسانه و اصول هنری چنانچه در هر اثر هنری دیگری یافت می‌گردد، در متن جامعه شکل گرفته‌اند و حاوی همه خصوصیات جهان خود هستند و به‌دست هنرمندی ساخته و پرداخته شده‌اند که علاوه بر داشتن مهارت در استفاده از عناصر تجسمی، به دانش و نگرشی مجهز است که خلاقیت و ابداع را در پی خود دارد. آثار گرافیکی صرفاً ابزار نیستند؛ در آن‌ها فرآیند آوردنی رخ می‌دهد که در هنر ممکن است و نه در صنعت. در خوانش طراحی گرافیک معاصر براساس فلسفه هنر هیدگر، معرفت به عالم خلق اثر، نقش مؤثر و اساسی دارد. زمانی که اثر به ادراک مخاطب درمی‌آید، همچون یک حکایت، حقیقت رخ می‌دهد. عناصر تشکیل‌دهنده آن نقش زمین را ایفا می‌کنند و مفاهیمی که هنرمند با عناصر بصری قصد تفهیم آن‌ها را به مخاطب دارد نقش عالم اثر هنری را. تفاوتی ندارد که در اثر در چه بستری شکل بگیرد و تکثیر شود، با رنگ و قلم یا به کمک کلید و صفحه نمایش در فضایی مجازی. به هر جهت آفرینش از هنرمند و از جهان او گذشته و به آشکارگی بدل شده است. اثر گرافیکی رابطه‌اش را با عالمی که آن را نمایندگی می‌کند برقرار می‌سازد و چنانکه این اتفاق نیفتد کارکرد معرفتی خود را از دست می‌دهد. طراحی گرافیک معاصر با اتکا به خاصیت تعاملی خویش، می‌تواند در بستری که خلق شده، با رنگ و فرم، حقیقت را متجلی کند. حقیقتی که از لایه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی یک ملت برآمده است.

## منابع و مأخذ:

- بنت، ا. گلشن، ر. (۱۳۸۶). «تسهیل مشارکت احساسی، عاطفی مخاطب در فرایند دیزاین خلاقه». ترجمه: روبرت صافاریان. نشریه حرفه هنرمند، شماره ۱۹: ۳۲-۳۰.
- خاتمی، محمود. (۱۳۸۷). گفتارهایی در پدیدارشناسی هنر. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- دیویس، مردیت. (۱۳۹۶). تئوری گرافیک. ترجمه: فاطمه مرزبان، تهران: نشر هنر نو.
- عابدی، علی. (۱۳۹۱). گرافیک، تجزیه، تحلیل، نقد. تهران: انتشارات کتاب آمه.
- کوکلمانس، یوزف. (۱۳۸۸). هیدگر و هنر. ترجمه: محمدجواد صافیان. آبادان: نشر پرسش.
- مثقالی، فرشید. (۱۳۸۹). مقدمه‌ای بر گرافیک دیزاین. تهران: نشر نظر.
- مصطفوی، شمس‌الملوک. (۱۳۹۱). «هایدگر و پدیدارشناسی هرمنوتیکی هنر». فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۳: ۵۴-۴۷.
- نوبل، یان؛ بستلی، راسل. (۱۳۹۵). پژوهش دیداری. ترجمه: سارا مطلوب، تهران: نشر هنر نو.
- نیوآرک، کوئنتین. (۱۳۹۴). طراحی گرافیک چیست؟، ترجمه: مرجان زاهدی، تهران: نشر مشکی.
- هیدگر، مارتین. (۱۳۹۲). سرآغاز کار هنری. ترجمه: پرویز ضیا شهابی. چاپ پنجم، تهران: نشر هرمس.
- هیدگر، مارتین. (۱۳۸۹). شعر، زبان و اندیشه رهایی. ترجمه: عباس منوچهری. چاپ دوم، تهران: انتشارات مولی.
- یانگ، جولیان. (۱۳۸۴). فلسفه هنر هایدگر. ترجمه: امیر مازیار، تهران: گام نو.
- Dreyfus, Hubert L. Wrathall, Mark A. (۲۰۰۵). A Companion to Heidegger. Blackwell Publishing Ltd.
- Heidegger, M. (۱۹۷۵). Poetry, Language, Thought. translated by Albert Hofstadter, Harper Colophon Books.
- Thomson, I. (۲۰۱۵). Heidegger's Aesthetics. Stanford Encyclopedia of philosophy.